



لحظه ای تاریخی

هموطنان! مبارزان انقلابی!

تسلط استعماری امپریالیسم بین المللی و نوکران دست نشانده آنان بر مبین ما و فشار روزافزون اقتصادی و سیاسی بر اکثریت مردم ما و غیره عملی و بیسی شمر بودن مبارزات مسالمت جویانه در شرایط تورم پلیسی و اختناق نظامی از یکطرف و اوج مبارزات قهرآمیز ملت های آسیا / آفریقا و آمریکای لاتین علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آنان از جانب دیگر موجب گردیده که مردم ما در طریق مبارزه مسلحانه و قهرآمیز و درگیری با دشمن قهار قدم گذارده و در این راه هر روز مصمم تر از پیش و با ابتکارات تازه و نوری خود نمائی نماینده .

مبارزات مسلحانه یکساله اخیر که با جانفشانی بیست و چهار نفر از بهترین و ارزنده ترین جوانان مردم ما همراه بوده است بدان درجه از رشد و تکامل رسیده که با اطمینان میتوان گفت مردم ما مبارزه صحیح و طرز نمونه خویش را باز یافته و با قدرت آنرا می بینیم . مبارزات یک ساله اخیر از نظر محتوی مبارزه و نقشی که در انقلاب ایران دارد / جهشی است که بانه از چند ده سال مبارزه در پیروزی و ساختن ایرانی آزاد و مستقل جلوه برده است و تشکیل "جبهه آزاد پیشخس ملی ایران" (که در این شماره اعلام شده است) قدم بسیار بلندی است در رهبری و هم آهنگی نهضت در شرایط کنونی .

در این لحظه تاریخی در مقابل فرد فرد اهنلسرانیان مبارز / در داخل و خارج کشور / وظایفی خطیر و حیاتی قرار گرفته است . این وظایف عبارتند از در اختیار گرداندن تمام امکانات مادی و معنوی خود در جهت حرکت نهضت .

در جهت همگامی با "جبهه آزاد پیشخس ملی ایران" میبایست ندای این جبهه را بلند آوازه ساخت و بآن کمک رساند و از آن درس گرفت .

انتشار اخبار مربوط به فعالیت و عملیات ضربتی گروهها و سازمانهای چریکی در ایران / اعلامیه ها و بیانیه های ج ۱۰ م ۱۰ / مسائل تاکتیکی و استراتژیکی مربوط بآن / اخبار نبرد های مسلحانه و قهرآمیز سایر کشورهای آسیا / آفریقا و آمریکای لاتین / از نظر گرفتن تجربه و همدردی با این جنبشها مواردی است که بقیه در صفحه دوم

پیمانه :

جبهه آزادپیشخس ملی ایران

جبهه آزاد پیشخس ملی ایران در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را پیشخس اساسی خود قرار داده و اعلام میکند هر فرد و هر سازمان ایرانی میتواند در راه رسیدن به هدفهای زیر بصرف ج ۱۰ م ۱۰ پیبوند .

- ۱ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار حاکمیت توده ها و استقرار "جمهوری دیمکراتیک خلقهای ایران" است .
- ۲ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار تساوی کامل همه خلقهای ایران است .
- ۳ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار برقراری آزادیهای سیاسی و اجتماعی است .
- ۴ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار ملی کردن سرمایه های خارجی و الفای هرگونه رابطه اقتصادی استعماری است .
- ۵ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار ملی کردن اساسی ترین رشته های صنعت و بازرگانی است .
- ۶ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار درگرونیهای اجتماعی و اقتصادی بسود زحمتکشان در راه نابود کردن هرگونه بهره کشی از انسان است .
- ۷ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار استقلال کامل ایران و قطع هرگونه نفوذ سیاسی و اقتصادی استعماری است .
- ۸ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار همگامی با جنبش جهانی ضد امپریالیستی است .
- ۹ - ج ۱۰ م ۱۰ . خواستار دوستی برادرانه با ملت های منطقه و همکاری با جنبش ترقیخواهانه و ضد امپریالیستی منطقه است .

بررسی مبارزات ملت ایران در سی سال گذشته نشان میدهد که دو جریان سیاسی بصورت سنت مبارزات ملت ایران در آمده اند که هر دو در مراحل مختلف دچار کیبود های اساسی بوده و مرکب اشتباهات سیاسی فاحش شده اند بنحوی که از مدتها پیش دیگر پاسخگری مسائل اجتماعی و سیاسی ایران نیستند . فقدان خصوصیات انقلابی / رسالت رهبری جنبش ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه ایران را از آنها سلب کرده است . در عوض طسی سالهای بعد از ۳۲ گروه ها و سازمانهای مخفی متعلق پدید آمده اند که یکی از خصوصیات آنها عدم وابستگی باین جریانهای سنتی بوده است .

طسی سالهای اخیر در خارج از ایران نیز هر روز سندیت جریانهای سنتی کاهش میدهد و جوانان ایرانی مقیم خارج بگروه ها و سازمانهای سیاسی مستقل رو میآوردند . از دیر باز برای سازمانهای انقلابی داخلی مساله وحدت امر فراموش شده ای نبوده است لکن این سازمانها بوجدت از طریق مذاکرات مقدم بر مبارزه اقتصادی نداشته اند . برعکس همواره روی این اصل که (وحدت سیاسی نتیجه و حاصل وحدت عمل و وحدت تاکتیکی و استراتژیکی است) تاکید کرده اند و ناگزیر منتظر زمانی شده اند که ضرورتهای مبارزه آنان را بسوی وحدت سیاسی سوق دهند . در چهار سال گذشته گروه ها و سازمانهای انقلابی داخلی نشان دادند که از برنامه ها و تاکتیکیهای مشابهی پیروی میکنند . این مبین نزدیکی سیاسی و مشابهت برداشتهای آنها از جامعه و اصول سیاسی وایدئولوژیکی بوده / محور این مشابهت ها نحوه تلقی آنان از روش قهرآمیز است .

توسل به قوام مسلحانه یکی از اصول جنبش کارگری جهانی بوده است لکن قیام مسلحانه باین تعبیر مشروط و موکول بقدمات و شرایط کافی شده است که یک تدارک نسبتا طولانی مسالمت آمیز یا "غیر مسلحانه" را ایجاد میکند . حال آنکه ضرورتهای اجتماعی و سیاسی کشور ما و مقتضیات جدید جهانی امکان پیش گرفتن روش مسلحانه دیگری را ایجاد میکند . مدتها در درون جنبش بحث بر سر حقانیت این روشها بوده است . ساله این بوده که در مقابل تاکتیکیهای خشن دستگاه حاکم در شرایطی که گنیه حقوق اساسی مردم باجمال شده و یک دیکتاتوری خشن نظامی امکان هرگونه فعالیت سیاسی موثر را از ملت سلب کرده است آیا میتوان مبارزه مسلحانه را بمثابة تدارک قهرآمیز انقلاب در پیش گرفت یا نه ؟

بقیه در صفحه چهارم

مانده از صفحه اول

بقیه لحظه ای تاریخی

مبارزات جنبه آزاد بیختمنی ایران " که میرساند و از این روستا تا سرحد امکان با انتشار این مطالب خواهم پرداخت .

" ۱۹ بهمن " که بنسبت ریز تاریخی ویر افتخار جلسته " چریکهای فدائی خلق " به پاسگاه سیاهکل / یعنی سرفصل مبارزات انقلابی و قهرآمیزی مردم ما علیه رژیم شاه / نام گذاری شده کوششی خواهد کرد . بسهم خود در برافروختن هرچه بیشتر آتش مبارزات قهرآمیز که هرروز بیشتر زیاده میکند کوشش نماید .

" ۱۹ بهمن " وظیفه خود میدانم که خود را وقف و در خدمت " جنبه آزاد بیختمنی ایران " قرار دهم و تمام هم خود را در جهت پیشبرد هدفهای سیاسی و نظامی این جنبه مصروف نمایم و بدینجهت است که نحوه انتشار " ۱۹ بهمن " منوط است به ضرورتهایی که ج . م . ا . تعیین خواهد کرد .

از مطالب " ۱۹ بهمن " آنهاییکه تماما و عینا از جانب " جنبه آزاد بیختمنی ایران " صادر شده است یا مضای " ج . م . ا . " منتشر خواهد شد بدینوسیله که مطالب بدون امضاء آنهاست هستند که عینا و تماما از جانب جنبه آزاد بیختمنی ایران " صادر نشده اند .

مانده از صفحه هشتم

بقیه زندگی نامه شهیدان

تهران چهره آشنایی شد . علی از سال ۴۲ وارد دانشمندی صنعتی نارملک شد و آنرا بی پایان رسانید . آخرین حرفه او دبیری هنرستان صنعتی ساری بود . در سال ۴۶ کلبه مشاغل خود را ترک کرد و بصورت کادر حرفه ای مبارزه ادامه داد .

پس از بازداشت های از فعالین سازمان علمی مخفی شد و بقیامت خود افزوده و بخاطر گسترش مبارزه به عراق و فلسطین رفت و در جنبه آزاد بیختمنی خلق فلسطین (جنبش) فعالیت کرده با نام مستعار " ابوالعباس " فرماندهی یک پایگاه مهم چریکی رسید .

در این ضمن بارها بایران آمده و هربار با تجارب خود و هدایای ارزنده ملت فلسطین سازمان را یاری داد . سرانجام در فرماندهی یک واحد چریک جنگی (۴) سازمان چریکهای فدائی خلق پس از نبرد دلاورانه

اسیر شد و زیر شکنجه شدید جان سپرد و نامش همسراه دوازده تن همزمان دلاورانه که اعدام شدند اعلام کردید .

علی اکبر صفائی فراهانی تجارب سیاسی و نظامی داشت و نمونه ای از گذشت و فدکاری و دلاوری بود و

علیرغم مطالعات و آگاهی بی نظیر سیاسی اش چهره یک کارگر را داشت . خصلت هایش به روشنگران خرد بورژوا مانند نبود . علی در محیط اطرافش اثر نیک داشت و ده ها نفر تربیت شد کاتش مشغول مبارزه ای را که او برافروخت همچنان فرزندان خواهند داشت . علی در زمینه تاکتیک و استراتژی جنبش تالیفاتش نیز داشت .

علی اکبر صفائی فراهانی گورای دیگری است در کشور ما / در منطقه ما .

ملت ما (نسل انقلابی) از دانشمندان قهرمانانسی چون علی بحق برخوردار میباید .

۲- اسکندر صادقی نژاد

اسکندر فرزند خانواد مایست زحمتکش . وضع خانواد کیش اجازه نداد که بیش از سالهای اول دبیرستان را بگذراند . از سنین نوجوانی بکار پرداخت . اسکندر کارگر قابلی بود و تخصص در سنگ زدن بود . در عین حال اسکندر از کوهنوردان با سابقه و سرشناس ایران بسود . فعالیتهای پیگیر در زمینه مسائل سندیکائی او را بجامعه کارگری تهران شناساند و انتخاب او به عنوان دبیر سندیکای فلزکار و مکانیکسنگ تهران او را بر تارک طبقه کارگر کشور جا داد . مبارزات پیگیرانه اسکندر از اطرافین سندیکای فلزکار و مکانیک را با اتحاد یاری راستین میدل کرد و کوشش این اتحادیه در راه تامین حقوق کارگری و از جمله برسمیت شناساندن اول ماه مه بعنوان جشن کارگران / اتحادیه و دبیر محبوب آن را بهمه شناسانید . همچنین اسکندر گروه کوهنوردی سندیکارا بوجود آورد و پناهگاه کله توجال هدیه این گروه و بنمای یابود اسکندر صادقی نژاد است که بر فراز البرز چشم بتهران دوخته است .

اسکندر طی فعالیتهای سندیکائی اش با سازمان انقلابی مخفی تماس برقرار کرد . از سال ۱۳۴۲ بصورت کادر حرفه ای جای رفتاری زندانی شد هاش را پر کرد و طی سه سال مبارزه حرفه ای نشان داد که طبقه کارگر ایران شایستگی انقلابی و رهبری داشته میتواند فرزندانی آگاه و شجاع و ارزنده به جنبش انقلابی ایران اهدا کند . اسکندر در مبارزات مخفی انقلابی دقیق و دلیسر و مبتکر بود . اسکندر نمونه عالی یک چریک شهری در مقیاس جهانی است . اسکندر از دواج کرده بود و از او یک دختر سه ساله مانده است . نمونه شایستگی و لیاقت اسکندر فرماندهی او در اجرای حکم اعدام فرسیو و مصادره بانکه ملی شعبه ایزنهاور است . اسکندر در روز سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک نبرد خرابانی شهید شد .

۳- جلیل انفرادی

جلیل انفرادی کارگر مبارز و دلاوری بود که همسراه دیگر قهرمانان در روز ۲۵ اسفند ۴۹ تیسراران شد . هم صفا / دوست و هم رزم نرزد یک اسکندر صادقی نژاد بود .

۴- امیر پرویز پیویان

امیر در مشهد متولد شد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا گذراند و در سالهای ۴۰-۴۲ در جنب فعالیتهای جنبه ملی در مشهد فعالیت داشت و جریان مستقنی بنام (نهضت علمی) بنیاد کرده بود . پس از تحصیلات متوسطه امیر بتهران آمد و طی تحصیل در رشته علوم اجتماعی دانشگاه ادبیات تهران با همکاران بعدی اش آشنا شد و به اید ثلوزوی مشرقی رسید و سرانجام با همکاری عباس مفتاحی و مسعود احمد زاده گروه مستقنی را پایه گذاری کرد که این گروه در سال ۴۹ به (سازمان چریکهای فدائی خلق) پیوست . امیر در بین همکارانش از جاد به خاصی برخوردار بود و در تکامل اید ثلوزویک سازمان نقش ارزنده ای داشت . امیر تالیفات با ارزشی نیز دارد . امیر از سال ۴۹ تا آخر زندگی اش فعالیت سیاسی را بسا مبارزه مسلحانه توأم ساخته و نیز روز سوم خرداد

سال ۱۳۵۰ در یک نبرد قهرمانانه در پناهگاه خود شهید شد . امیر عضو تیم صادقی بود و در جریان مصادره بانکه ایزنهاور شرکت داشت .

۵- غفور حسن پیور اصل معروف با سرچ

ایرج در سال ۱۳۲۰ در یک خانواد فقیر دهقانی در لاهیجان متولد شد . ایرج پسر بزرگ خانواد بود . علیرغم فقر خانواد تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در لاهیجان گذراند و در دانشکده پلی تکنیک ادامه تحصیل داد . ایرج نماینده فعال دانشجویان پلی تکنیک بود (در عین حال در سازمان انقلابی مخفی فعالیت داشت) . پس از سال ۴۶ ایرج نقش بسیار فعالی در گسترش سازمان در پیش گرفت و خود را کاملا وقف مبارزه کرد . هنگام بازداشت ایرج خدمت وظیفه را میگذراند . از آزمایشگاه شیمیائی نیروی هوایی در راه مبارزه استفاده شایانی کرد . ایرج پس از بازداشت مورد شدید ترین شکنجه ها قرار گرفت . در روز ۲۵ اسفند ۴۹ همراه دیگر همزمان تیسراران شد و برادران ایرج بنامهای مصطفی و محمود حسن پیور در اردگاههای نظامی محکوم شده اند . ایرج از مبارزان سرشناس سازمان چریکهای فدائوسی خلق بود .

۶- مهدی اسحاقی

پدرش سپاسان بود . در سنین نوجوانی علاوه بر تحصیل باغبانی میکرد . اوایل تعلیمات مذهبی داشت سپس به اید و ثلوزوی مارکیسم لنینیسم پیوست . مهدی در فعالیتهای سیاسی جنبه ملی شرکت داشت و سپس به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست . مهدی فارغ التحصیل پلی تکنیک تهران بود . در عین نبرد مسلحانه در جنگل / در بهمن ۴۹ شهید شد .

۷- هادی بنده خدا لنگرودی (کامران)

کامران در یک خانواد پیشخور خرد پا متولد شد . پدرش را در کردگی از دست داد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در لنگرود گذراند و وارد دانشکده پلی تکنیک تهران شد ولی بعلمت فعالیتهای مخفی و سیاسی از دانشکده اخراج و بسرازخانه اعزام شد . خدمت خود را بعسکرتوان سیاهی دانش در دهات کرمانشاه گذراند . کامران مبارزی جدی و خستگی ناپذیر پسنود . در بین دوستانش از احترام فوق العاده برخوردار بود . کامران در جریان نبرد های مسلحانه جنگل بازداشت شد و در روز ۲۵ اسفند ۴۹ همراه دیگر مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق تیسراران گسردید .

۸- ناصر سیف دلایل صفائی

ناصر در سنگرم متولد شد . پدرش کارگر راه آهن بود . ناصر تمام تعطیلات تابستان را مانند یک کارگر گام میکرد . ناصر دران متوسطه را در بندر شاه و ساری گذراند و در سال ۴۱ وارد دانشکده پلی تکنیک شد . در فعالیتهای صوبی جنبه ملی شرکت کرد . ناصر سپس به سازمان انقلابی پیوست . مبارزی صادق و شجاع بود . موقع بازداشت در کارخانه تولید ارو مهندس بود . ناصر در جریان تدارک نبرد مسلحانه شهری بازداشت شد و در روز ۲۵ اسفند ۴۹ تیسراران شد . برادر ناصر بنام علی سیف دلایل صفائی نیز بازداشت و محکوم شده است .

بقیه در صفحه چهارم

درباره سازمانهای انقلابی

مانده از صفحه هشتم

در سال ۴۸ گروه معروف به فلسطین بازداشت شد. این گروه در جهت تارک نبرد مسلحانه عازم خارج بودند و در صد تماس با جنبش‌های منطقه برآمده بودند. این گروه نیز به ایدئولوژی انقلابی مجهز بودند. عده کثیری بازداشت شدند که از آن میان ۳۵ نفر محاکمه شدند که ۱۸ نفر متهمان اصلی در یک دادگاه نظامی بحسبهای سنگین محکوم شدند.

پاک‌نژاد - بطحانی - کاخماز - شالگوئی از محکومین این گروه بودند. رضوان‌اله جعفری - حسین ریاحی - عباس صابری و عده ای دیگر بازمانده‌گان شناخته شده این گروه هستند. ریانپناه هواپیمایی هما به بغداد با سامی سید عبدالله مرزاق - عبدالملکی رحیم خانی و خیمساز باین گروه وابستگی داشته اند.

طسی این سالها گروهها و شبکه‌های سیاسی نظامی دیگری نیز آشکار شده اند لکن مهمترین جریان سالهای اخیر سازمان انقلابی است که در سال ۴۹ با حماسه سیاهکسل شناخته شده. این سازمان است که در سال ۴۶ عده‌ای از فعالین بازداشت و محکوم شدند بعدا (در سال ۵۰) اعلامیه هائی بنام (چریکهای فدائی خلق) منتشر کرد و باین نام معروف شد. سازمان دهندگان این سازمان در دوره اول (تا سال ۴۶)

عبارت بودند از بیژن جژیسی - حسن ظریفی - مشعوف کلانتری - عباس سورگی - سردی - چیمان زاده - افشار - صفائی فراهانی - محمد صفاری - اسکندر صادقی نژاد - حمید اشرف و حسین پور که پنج نفر آخر فعالیت خود را ادامه داده و با همکاری امیر پرویز پویان - مسعود احمد زاده - عباس مفتاحی و بهروز دهقانی و دیگران مبارزات دو سال اخیر را رهبری و اداره کردند. سازمان چریکهای فدائی خلقی بد رجه کاملی از رشد و تکامل رسیده و طی یکسال گذشته راه مبارزه مسلحانه را بروی ملت مسلحان گشوده و با نه‌ها حماسه قهرمانانه رسالت تاریخی نسل مبارز را اعلام کرده است. اینک میرد از بیستم بشر مختصر چشم گیرترین مبارزات مسلحانه این سازمان طی یکسال اخیر:

۱- حماسه سیاهکسل - علی اکبر صفائی فراهانی انقلابی با تجربه و شجاع در فرماندهی واحد چریک جنگلی سازمان قرار داشت و پس از چند ماه حضور در

منطقه جنگلی شمال (مازندران و گیلان) در سیاهکسل درگیر شدند. در نبردی دلاورانه پرچم نبرد مسلحانه را در کشور ما برافراشته ساختند. از جنگاوران سیاهکسل علی اکبر صفائی فراهانی - مهدی اسحاقی - دکتر مصطفی رضائی - عباس دانش‌بهرادی - احمد فرهودی - هادی بنده خدا لنگرودی - هوشنگ نیسری - قند چی و جلیل انفرادی شهبند شدند. بدنیال بازداشت‌های که در تهران بعمل آمد چند ده نفر بازداشت شدند که از آن میان شش نفر مسئولان مبارزات شهری با سامی غفور (ایرج) حسن پور - هادی فاضلی - اسماعیل معینی اراکسی سیف دلیل صفائی - اسکندر رحیمی مسیحی - و مشید در روز بیست و پنج اسفند ۴۹ همراه هفت تن از واحد چریک جنگلی تیرباران شدند.

چند ماه بعد دومین گروه مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق محاکمه شدند که از آن میان خرم آبادی و کاظم صلاحی تیرباران شدند و حسن ظریفی (که از سال ۴۶ در زندان بود) ایرج نیسری (برادر هوشنگ نیسری) و خوشنویس و هوشنگ دلخواه بزندان ابد محکوم شدند و محمود محمودی بد هرسال زندان محکوم شد.

در فروردین ۵۰ جواد صلاحی همراه علیرضا نابدل در خیابان با پلیس برخورد کرد و صلاحی شهید شد و نسا بدل مجروح و بازداشت شد.

۲- اعدام فرسیو - در فروردین ماه یکی از تیمهای شهری فرماندهی اسکندر صادقی نژاد اجرای حکم اعدام فرسیورا بعهده گرفت و او را بجزای خیانت هایش رساند. رحمت پیرو نند سیری و چند تن دیگر از افراد این تیم بودند.

۳- مصادره بانک ها - از سال ۴۸ سازمان شروع بمصادره بانک ها در راه مقاصد انقلابی میکنند و تاکنون ده‌ها بانک مصادره شده است. از جمله بانک ها بانک ملی شعبه آینه‌شاهور است که در فروردین ۵۰ توسط یکی از تیم ها مصادره شد. در این تیم امیر پرویز پویان - رحمت پیرو نند سیری - حمید توگلی - سعید آرن - احمد زبیرم - عباس جمشیدی رودباری و شهبند توگلی عضویت داشتند و فرماندهی آن بعهده اسکندر صادقی نژاد بود.

۴- حمله به کلانتری تبریز - در بهمن ۴۹ یکی از تیم های شبکه تبریز کلانتری پنج تبریز را مورد تهاجم قرار داد و پس از کشتن یکی از ماموران یک قبضه مسلسل بدست آورد. افراد تیم عبارت بودند از مناف فلکی - عرب عربیسی - محمد تقی زاده و جعفر اردبیلی.

۵- حمله به کلانتری طبهک - در فروردین ۵۰ یکی از تیم های شهری به کلانتری طبهک حمله کرد و یک مامور پلیس کشته و یک قبضه مسلسل بدست آورد. حمله کنندگان عبارت بودند از مسعود احمد زاده - مجید احمد زاده - حسن نوروزی و مناف فلکی. فرماندهی تیم با مسعود احمد زاده بود.

۶- نبرد های روز سوم خرداد ۵۰ - در این روز دو خانه تیم صادقی مورد تهاجم دشمن قرار گرفت و پس از مقاومت شدید اسکندر صادقی نژاد امیر پرویز پویان - و رحمت پیرو نند سیری شهید شدند سعید آرن و همسرش شهبند توگلی بازداشت شدند و در جمشید رودباری و احمد زبیرم موفق بفرار شدند و در این نبرد ها سعید آرن زخمی میشود. روز قبل حمید توگلی بازداشت شده بود.

۷- نبردهای پنجشنبه و شنبه ۸ و ۱۰ مهرماه روز پنجشنبه ۸ مهرماه یکی از تیم های شهری بفرماندهی جنگلی قبادی در پناهگاه خود مورد هجوم دشمن قرار میگردد. در این نبرد دلاورانه جنگلی قبادی - سید نوزادی - و سالی شهید میشوند و عاطفه جعفری بازداشت میشوند. روز شنبه ۱۰ مهر تیم دیگری در پناهگاه خود مورد حمله قرار میگردد. در این نبرد منوچهر بهائی پور و مهرنوش ابراهیمی دلاورانه جان میسارند و دو نفر از افراد تیم با جنگ و گریز نجات مییابند. نجات یافتگان جمشید رودباری فرمانده تیم و احمد زبیرم هستند. مهرنوش ابراهیمی همسر مبارز شهید جنگلی قبادی بود که هر دو یکبار در ساری بازداشت شده بودند و همراه محمد علی پرتوی و بهرام قبادی بتهران حمل شدند و در راه قهرمانانه از جنگ ماموران گریخته بودند. در آن حادثه بهرام قبادی و محمد علی پرتوی زخمی شده بودند. مهرنوش روز شنبه ۱۰ مهر در یک نبرد طولانی با مسلسل میجنگید و سرسختی و دلاوری او فرصت داد تا دو نفر از مبارزان با ارزش نجات بیابند و خود قهرمانانه شهید شد.

۸- نبرد خیابانی روز شنبه ۱۳ مهرماه - در این روز حمید اشرف از فرماندهان دبلیور جنبش مسلحانه ایران همراه حسن نوروزی انقلابی دلاور با ماموران شهریانی در غرب تهران هنگام نبرد روز میمیشوند و پس از یک درگیری دلاورانه پیروزمند انبه میگریزند. در این برخورد چند تن از ماموران پلیس کشته و زخمی میشوند و پلیس کینه توزانه مردم را بگلگوله مینند که موجب کشته و زخمی شدن ده‌ها تن میشود. پلیس برای شکست خود بد روغ اعلام میکند که عبدالحسین براتی و دوتن دیگر در این واقعه کشته شده اند. وقایع دیگر: عبدالحسین براتی در یکی از پناهگاهها با دشمن درگیر میشود و جان بقیه در صفحه ششم



آینجا ساختمان پناهگاه وندارمیری سیاهکسل است

مانده از صفحه دوم
بقیه زندگي نامه شهيدان

۹ - مشيدی

مشيدی فارغ التحصيل پلي تنيك در رشته الكرونك بود و آخرين حرفه اش كارمندی شركت تلفن بود . مشيدی ازدواج کرده و يگ خسر داشت . مشيدی متولد رشت بود . فعاليت سياسی را در دانشگاه طی سالهای ۴۰-۴۲ آغاز کرد و بعد بمبارزه مخفی روی آورد و در جريان تدارك نبرد سلححانه در شهر بازنداشت و در روز ۲۵ اسفند ۴۹ شهادت رسيد .

۱۰ - احمد فرهودی

احمد متولد ساری بود . شغلش كارمندی دارائی رشت بود . قیلا در جبهه ملی فعاليت داشت . در جريان مصادره بانک ونگ در پاكسي ۹۹ لورفت و از آن زمان مخفی شد و سرانجام در نبرد سلححانه سياهگل اسير گردید و همراه ديگريزمنه گان سازمان چريكهای فدائی خلق تيرانان شد .

۱۱ - محمد نیری (هوشنگ)

هوشنگ در سال ۲۸ در لاهیجان متولد شد . پدرش كارشناس جای بود . دوره ابتدائی و متوسطه را در لاهیجان گذراند . هوشنگ پس از پایان خدمت سربازی در تهران ماند و به سازمان انقلابی مخفی پیوست . هوشنگ بارها برای تداركات تسليماتی سازمان بخارج رفت و آمد کرد . هوشنگ در نبرد سلححانه اطراف لاهیجان زخمی و اسير شد . در دوره اسارت مثل ديگران از خود پایداری و دلوری نشان داد و سرسخانه زیر شکنجه مقاومت کرد و سرانجام در روز ۲۵ اسفند ۴۹ تيرانان شد .

۱۲ - محمد هادی فاضلی

هادی در فیروزآباد فارس متولد شد . دوره ابتدائی و متوسطه را در فیروزآباد شیراز گذراند و از دبیرستان در ارفنون تهران دیلم گرفت و بعد وارد پلي تنيك تيرانان شد . در دانشگاه نماینده صغی بود و فعاليت شدیدی داشت . دوره سربازی را در قسمت مخابرات پادگان ميگذراند و در عين حال در انستيتو راه آهن تدريس ميکرد . آخرين حرفه اش مشاور وزارت آب و برق بود . هادی در سالهای اخير بمبارزه مخفی روی آورد و یکی از زنده ترين کارهای مبارزه شهری شد . بسيار پرکار / جدی و دقیق بود . هادی بگونه نوری علاقه داشت و در تهیه مواد منفجره و اصول کار مخفی مهارت کامل داشت . هادی در دوره اسارت از خود مقاومت عالی نشان داد . سرانجام در اسفند ۴۹ همراه ديگر مبارزان سازمان چريكهای خلق تيرانان شد .

۱۳ - اسماعيل معینی اراکی

اسماعيل در يك خانواده مذهبی بازرگان در اراك متولد شد . اسماعيل فارغ التحصيل رشته الكرونك پلیس تنيك تيرانان بود و از همکاران نزد يتهادی فاضلی بشمار ميرفت . آخرين شغلش كارمندی شركت تلفن بود . پس از فعاليتهاي عمومی به سازمان چريكهای فدائی خلق پیوست . در جريان تدارك مبارزات سلححانه شهری اسير و در اسفند ۴۹ تيرانان شد .

بقیه در صفحه هفتم

مانده از صفحه اول

بقیه بیانییه : جبهه آزاد يخش ملی ایران

جریانهای سنتی هيچگاه حاضر نشده اند خط منی خود را با صراحت در این مورد تعین کنند . با اینکه جناحی از این جریانهای سنتی حتمی مدتی جنگ چريکی شه گورا را از رادیوی سخنگوی خود پخش ميکرد معذالك همواره توسل بوقه قهریه را مقید بشرایطی ميکرد که عملا آنرا تحلیق به محال می ساخت . جناح ديگر چپ که نقش مخالف را بازی ميکرد با قطب گرائی مشابه به مظاهر متضاد بدون توجه بشرایط ایران الكوهاسی را توصیه ميکردند که باز تحقق بخشیدن مبارزه انقلابی سلححانه را در کشور ما غير ممکن میساخت .

سر داشت ما از مبارزه سلححانه در شرایط کونی ایجاب ميکند که اولاً با توجه بشرایط اجتماعی / اقتصادی و سياسی جامعه خود روشی را برگزینیم که امکان علسی داشته باشد . ثانياً مبارزه سلححانه را بهیچوجه بعنوان تاکتيك انتخابی مبارزه تلقی نکرده / آنرا تحلیق پآینده نامعلوم نکنیم . بر اساس این دو اصل مقدماتی مبارزه سلححانه ما روی شهرها تاکيکدی خاص ميکنند زیرا :

توده های شهری دارای سوابق و تجارب سياسی قابل توجهی هستند یعنی زمینه اجتماعی مبارزه در شهرها فراهم است . مبارزه سلححانه در شهر مراکز اعصاب دستگاه حاکمه را زیر فشار مستقیم ميگذارد . توده های مبارز یعنی پیشقراولان مبارزه توده ای ميتوانند بدون زحمت بمبارزه علسی بپیوندند . ماهیت نیروهای که در جنبش نقش پيش آهنگ را دارند ایجاب ميکند که این مبارزه در محل زیست و پرورش این نیروها جریان یابد . ما نقش قشرهای خرده بوروازی ایران را در جنبش ملی ضد امپریالیستی و ترقيخواهانه بعنوان نقش تاریخی که ناشی از نحوه تکامل جامعه و ترکیب اجتماعی آن است می پذيریم و تاکيک ميکیم که در شرایط حاضر جنبش روی قشرهای میانه و پائینی خرده بوروازی / روی زحمتکشان شهر و کارگران تاکيک ميکند و روشنفکران مبهمسز به ايد ثولوری انقلابی نقش اساسی در رهبری و تحرك جنبش دارند . معذالك این واقعیت ما را از توسعه بعدی جنبش میمان توده های زحمتکشان محروم شهر و روستا باز نمیدارد .

الگوهای نبرد چريکی در هقانی از این نظر با شرایط کشور ما مطابقت ندارد که روستا های کشور ما و هقانات فاقد زمینه تاریخی و سوابق جنبش های قابل توجه دهقانی هستند . همچنین رقم های ارضی سالهای اخير گرچه پاسخگوی مسائل ارضی کشور نبوده و به قشر و محرومیت دهقانات خاتمه ندادند است لکن قنود الیسم را از روستا ها حذف کرده و عامل تحريك مستقیم توده های دهقان را برای يك جنبش دهقانی از میان برده است . بنابراین ما امیکه جنبش دهقانی پدید نیامده و زمینه اجتماعی در روستاها فراهم نشده است انتقال کانون مبارزه به روستاها میسر نیست و هر نوع خطا در این زمینه فاجعه آميز است . و اما استفاده استراتيک از مناطق خارج از شهر ها مثل جنگل ها و کوهستانها از طرف واحد های چريک همروستائی در مرحله اول نبرد سلححانه عاملی موثر نیست زیرا بی تفاوتی دهقانات که ناشی از عدم آگاهی آنهاست برای چريک خارج از شهر نقش مخفی موثر دارد . از این گذشته ما امیکه ثبات اداری و نظامی دستگاه متزلزل نشده بدشمن اجازه میدهد سرفرصت و با افزام نیروهای اخير بمقیاس وسیع مبارزهای نابرابر را براحتی ادامه دهد بی آنکه از ادامه برنامه های سياسی و تبلیغاتی اش بازمانده و یا وقفه ای جدی در آنها ایجاد نشود . از سوی ديگر نیروهای آماده شهری امکان پیوستن باين مبارزه بيرحمانه را که دور از دسترس آنها جریان دارد نداشته و همدردی آنها نتایج مادی و علسی محسوس برای چريكهای در حال نبرد ندارد .

پس توسل بواحد های چريک خارج از شهر ها (جنگل و کوهستان) در مرحله ای مقید است که مبارزه سلححانه در شهر گسترش یافته و امکان حفظ پایگاه های متحرک در مناطق روستائی سوق الجیشی پدید آمده تا از طریق این پایگاه جبهه ای دوسی گنوده و شود و با مدد اوست مبارزه سلححانه در شهر جنبش را در روستا ها توده ای کند .

زمینه دیگری که خارج از شهرها وجود دارد مناطق عشایری است که گسترش جنبش سلححانه در آنها مستلزم وجود عوامل قومی و خلقی است . در این زمینه بخصوص بشاير کسر اهمیت بسزا دارند . بدیسی است سازمانهای صلح شهری در اولین فرصت از دادن کمک باين جنبش ها خود داری نکرده و آنرا تبدیل به عامل خرد کننده های برای دستگاه نظامی و سياسی حاکم ميکنند . پس در این لحظت تاریخ من مفهوم مبارزه سلححانه نبردهائی است که اساساً در شهرها امکان پذیر است . بدیسی است تاکيک های سلححانه را تا حدی ميتوان در خارج از کشور بر ضد دستگاه حاکمه ایران بکار گرفت . همچنین ميتوان مراکز حیاتی اقتصادی دستگاه حاکمه را در مناطق خاص داخل کشور مورد تهاجم و خرابکاری جدی قرار داد تا از جهت ضعف مالی و اقتصادی دستگاه اداری و نظامی کم و بیش طبع شود و تضاد های درونی دستگاه حاکمه و روابط آن با انحصارات جهانی تشدید شود . توجه بمبارزه سلححانه بعنوان تاکيک شاخص و تعیین کننده مسارا از توسل به تاکيک های علسی ديگر باز نمیدارد . مسابايد از کلیه تمایلات مخالف مردم بهره بگیریم . هر جنبش علسی / هر اعتراض و اعتصاب را تقویت کنیم و از آن در جهت گسترش مبارزه سلححانه بهره بگیریم . پس باين دلائل است که جبهه آزاد يخش ملی ایران اعلام ميکند که " در شرایط کونی کشور ما مبارزه سلححانه را روش اساسی خود قرار میدهد " طبیعی است جنبش ناگزیر و در عين حال آماده است تا از هر فرصت سياسی و اجتماعی در آينده بهره ببرد و با تغييرات و تحولات سياسی و اجتماعی / تاکيکهای خود را منطبق سازد بی آنکه تدارك نبرد سلححانه خود را متوقف سازد . پس ج ۱۰.م.۱۰. بمنظور ایجاد يك جریان سياسی متده که بتواند رسالت رهبری جنبش را بر عهده بگیرد بجمود آمده و میباید خلا رهبری را که امروز برای نیروهای راستین انقلابی کاملاً محسوس است پر کند . باين ترتیب ج ۱۰.م.۱۰. از انحصار و تشکيل سازمانها و گروههای انقلابی داخل و خارج بوجود میآید . با این تاکيک قاطع که سازمانها و گروه های انقلابی نقش اساسی میدهد که میدان مبارزه خود را همچنانکه سازمانهای مساز در داخل نشان داده اند در داخل کشور بسرميگزينند . که نیروها و امکانات خارج از کشور را در اختيار مبارزه تعیین کننده داخل ميگذارد . امسا ج ۱۰.م.۱۰. به هيچ وجه در نظر ندارد گروه ها (واحد ها و سازمانهای صلح انقلابی را در داخل کشور) را ادغام کند . ادغام و ارتباط یافتن مستقیم هسته ها و سازمانهای سياسی - نظامی در داخل مستلزم : اولاً درهم شکستن تسلط پلیس و قدرت کنترل کننده حکومت است و ثانياً مستلزم وحدت کامل ايد ثولوریک این گروه ها و سازمانهاست . پس ج ۱۰.م.۱۰. سررکز ارتباط سازمانها و گروه های میشود که

مانده از صفحه هشتم

بقیه آخرین خبرهای عملیات چریکی

۲ - انفجارات متعدد بمب در ادارات سفارت آمریکا

در شب ۲۸ دیماه ۵۰ (۱۷ ژانویه) بمبهای متعددی در ادارات سفارت آمریکا و انجمن ایران و آمریکا در تهران منفجر شده است که منجر بقتلقات فراوان گردیده است. چریکها بدین تلفات مأموریت خود را انجام داده اند.

زیر چاپ

ضعف پلیس

طبق آخرین خبر رسیده از تهران ساواک اعلام کرده است که پنهانگاه شاهرخ هدایتی را کشف نموده و در زند و خورنیک روی داده شاهرخ به سختی مجروح شده و طوری که امیدوی به زنده ماندن او نمرود و دستن سیروس سپهری کشته شده است. همانطوریکه در تار در این شماره آمده است از شهادت این دو مبارز ماهها میگذرد و خبر اعلام شده توسط ساواک دروغی بیش نیست اما در رویکه از ضعف شدیدی سازمانهای غیرضرب و طول ساواک و پلیس ایران حکایت میکند دولت ایران امیدوارست که از طریق اینگونه دروغپردازی ها نیروهای پلیسی خود را نیرومند و مصمم نشان دهد و چنین بنمایاند که بعضی وقوع عملی انقلابی توانائی آنها دارد که هیت پنهانگاه چریکها را کشف کند و آنانرا دستگیر و یا مقتول نماید.

چریکهای مبارز ما مدتهاست که ازین ضعف رژیم شاه مطلعند و بجاست که مردم نیز اکنون ازین واقعیت آگاه شوند.

در روشنگری رژیم همچنین ثابت میکند که با آغاز خیمه شب بازی مصاحبه های ایچ ثابتی در رادیو و تلویزیون سیاست باصطلاح اطلاعاتی آن تخمیر نکرده و همچنان گذشته به صحت هیچ کدام از اخبار و اطلاعیه هایش نمیتوان اطمینان کرد.



عکس شاهرخ هدایتی که در سراسر کشور توزیع شده است

در داخل کشور بیگانه را ندرند و ارتباط خود را از طریق مرکزها و مراکز با ج.ا.م.ا. تأمین میکنند. شور و هیات اجرایی ج.ا.م.ا. و مراکز آن در خارج اساساً در منطقه قرار خواهند داشت و بوسیله پیک هایی که از جانب خود سازمانهای مستقل برگزیده میشوند با آنها ارتباط برقرار خواهند کرد. و تجارب و امکانات سیاسی و نظامی خود را در اختیار آنها میگذارد. همچنین ارگانهای سیاسی ج.ا.م.ا. برای توده ها و طبقات و قشرهای مختلف بنا بر اوضاع و احوال تعیین شعار میکنند. و امکانات تبلیغاتی را در خارج از کشور یکپارچه میکنند. وحدت سیاسی سازمانهای انقلابی علاوه بر وحدت عمل آنها در زمینه نبرد مسلحانه و برداشت آنها از این روش / محتاج همانندی های سیاسی دیگری است. گریچه رسیدن باین تاکیک مشترک متضمن مشابهت در جنبه های دیگر نیز میباشد لکن نمیتوان از تاکیک در این ننگه خودداری کرد که در شرایط کنونی کشور ما مبارزه آزاد بیخشم عمیقاً با مبارزه ترقیخواهانه که هدفش آزاد ساختن توده های زحمتکش از بند بهره کشی و تعدیل ثروتهای جامعه و مکرسی اقتصادی است / پیوند یافته بنحوی که هیچ سازمان انقلابی نمیتواند بدون داشتن یک برنامه مترقی اجتماعی و اقتصادی بطور جدی بمبارزه ملی ضد امپریالیستی دست یازد. باین دلایل است که ج.ا.م.ا. روی چنین برنامه های تاکیک میکند و لازم میدانند از وحدت سیاسی کاملتر و عمیق تری برخوردار شوند تا از این طریق خصوصیات و تعالیات انقلابی جبهه حراست شده و جبهه از نجان بیشتر بر خود ابر گردند.

بدیهی است هدف ج.ا.م.ا. این نیست که تمام مخالفان حکومت فعلی را در درون صفوف خود جای دهند. ج.ا.م.ا. میخواهد رهبری انقلابی خود را در مقیاس جامعه های اعمال کند و در عین حال آماده است تا در راه رسیدن بمبدهای خود در مراحل مختلف با دیگر نیروهای مخالف رژیم تحت شرایطی همکاری کند. از اینروست که ج.ا.م.ا. اعلام میکند هر فرد و هر سازمان ایرانی میتواند در راه هدفهای تعیین شده به صفوف ج.ا.م.ا. بپیوندد.

حالت نظری به مواد برنامه ج.ا.م.ا. بیانند ازیم. ماده اول - تاکیک میکند که رژیم سلطنتی ایران مفایر استقلال و آزادی ایران است و گرهی است که ایران را وابسته ساخته و بریدن این گره از وظایف مقدم جنبش است. این اصل بگفته تندب و تردید های محافظه کارانه جریانهای سنتی سیاسی خاتمه میدهند. بدیهی است وقتی کلبه حقوق سیاسی جامعه از جانب رژیم سلب شده است و قانون اساسی بخشن ترین شکل ممکن از جانب دستگاه نقض شده و در شرایطی که امکان فعالیتهای سیاسی قانونی وجود ندارد ج.ا.م.ا. تابودی مرکز نقل دستگاه سیاسی را که آشکارا مرجع و منبع دائمی دیکتاتوری و وابستگی بامپریالیسم است خواستار شده / حاکمیت توده ها و استقرار جمهوری دموکراتیک خلقهای ایران را خواستار میگردد.

ماده دوم - خواستار تساوی کامل خلق های ایران شده است. واقعیتی است که خلقهای تبارک کرد عرب و بلوچ در جامعه ایران کم و بیش سهم ملی را تحمل میکنند. شکوفا شدن استعداد های ملی و رشد و ترقی اجتماعی ایرانی آزاد ایجاد میکند که سهم ملی در هر مورد و به هر درجه و میزانی که هست مطلقاً نابود گردد. و خلقهای ایرانی میتوانند در شرایط مساوی از کلیه امکانات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار باشند. ج.ا.م.ا. تاکیک میکند که در صفوف آن جایی برای تعالیات ناسیونالیستی وجود ندارد. و اعلام میکند که مبارزه ضد امپریالیستی توده ای در عین حال مبارزه در راه تساوی کامل خلقهای وطن ماست.

ماده سوم - تاکیک میکند که ج.ا.م.ا. از گرایش های دیکتاتوری ارتجاعی مبرا است. یعنی ج.ا.م.ا. خواستار تأمین حقوق اساسی مردم است. در ایران آزاد و مستقل فعالیتهای سیاسی و صنفی با ایدئولوژی های مختلف آزاد خواهد بسوزد و حکومت از طریق انتخاباتی راستین و آزاد تعیین خواهد شد. بدیهی است سهمی که ایدئولوژیهای مختلف در حاکمیت فردا خواهند داشت متناسب با نقش است که در مبارزات امروز ایفا میکنند.

ماده چهارم - خواستار ملی کردن سرمایه های خارجی و الغای روابط اقتصادی استعماری است. در واقع مفاد اصول چهارم و پنجم و ششم تاکیدی است در سیاست اقتصادی رژیم انقلابی و همین اینست که چنان رژیم راه وصول سوسیالیسم را میباید / راهی که بصورت مسالمت آمیز پیبوده خواهد شد. این راه با ملی کردن سرمایه های خارجی و الغای روابط اقتصادی استعماری و نواستعماری از نوع روابط کمپانیهای نفت با ایران و رابطه یکجانبه انحصارات امپریالیستی در مبادلات بازرگانی آغاز میشود. ملی کردن بازرگانی خارجی و رشته های اساسی صنعت و بازرگانی مانند صنایع فولاد و معادن و بانک ها در مرحله اول حرکت بسوسی سوسیالیسم قرار دارد. در گروهبیهای اقتصادی و اجتماعی بسود زحمتکشان عبارتست از تأمین حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان. تمهیدیل درآمد های جامعه بسود محرومان و پیش گرفتن برنامه های توسعه در جهت منافع ایشان است. مجانی شدن تحصیلات در تمام مراحل و مجانی شدن درمان / بهداشت و تأمین مسکن و کار / آن در گرونی های اجتماعی است که در مرحله اول تحول اجتماعی قرار دارد. و ادامه آن راه را برای تحقق سوسیالیسم هموار میکند. بدیهی است اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی منوط به سنجش دقیق امکانات و شرایط میباشد.

ماده هفتم - تاکیک میکند که رابطه فرمانبرداری رژیم فعلی از امپریالیستها ملغی خواهد شد. بیمانهای تجاوزکارانه که ایران را به بلوک امپریالیستی وابسته کرده است بدور افکند و میشود به نقش دستیار زباند ارم امپریالیسم بودن ایران خاتمه داده خواهد شد. ملت ایران با استقلال کامل بنا بر مصالح انقلاب / خود روابط خارجی خود را تعیین خواهد کرد.

ماده هشتم - تاکیک میکند که ایران آزاد و مستقل همراه جنبش جهانی ضد امپریالیستی کام برخواهد داشت و خود را جزئی از اردوگاه ضد امپریالیستی جهان میشارد. و با تمام جنبش های آزاد بیخشم جهان همراه و همصدا خواهد بود.

بقیه در صفحه هفتم

سازمانهای انقلابی

مانده از صفحه سوم

میسازد - سیروس سپهری دانشجوی کشاورزی (مهندس فارغ التحصیل) - چریک مبارز شهری در پناهگاه دیگری علی نبرد شهید شده است. علی سلحانی در یکی از پناهگاهها در حین آزمایش مواد منفجره مجروح شده و در بیمارستان جان میسازد. کاظم سعادتسی از کادرهای شبکه تبریز پس از درگیری با دشمن بخاطر اینکه اسیر نشود با سوزن سیانور خود کشتی میکند. بهروز دهقانی از رهبران شبکه تبریز در تهران بازداشت میشود و زیر شکنجه در اطلاعات شهربانی تهران شهید میشود. مقارن این زمان خواهرش اشرف دهقانی چریک مبارز امیر میشود و شدیدترین شکنجه هارا تحمل میکند. در تخیمان به اول لقب جمیله بویانسا و لیلی خالسد ایران داده اند. شاهرخ هدایتی مهندس کشاورزی در برخورد با دشمن شهید شده است. طی چند ماه گذشته مجسمه های شهرهای گرگان - رشت - ساری و میسن ۲۸ مرداد تهران منفجر شده و در چندین پاسگاه پلیس و تاسیسات برق و انتقال نیرو خرابکاری انجام شده و چند تن از دو تخیمان ساواک و شهربانی اعدام شده اند. مصادره بانکها لایق قطع ادامه داشته است.

واقعه بازداشت مجید احمد زاده: ماموران سازمان امنیت برای بازداشت مجید احمد زاده سر قرار او میروند. ابراهیم آزاد سرو از چریکهای شهری که قبلا بازداشت شده بود در اتوبیانشان بود. آزاد سرو زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشته و محل قرار را لو داده بود. ماموران با دیدن مجید احمد زاده که سوار موتورسیکلت بوده او را هدف قرار میدهند. دو گلوله با او اصابت میکند. مجید را در شرف بیهوشی به اتوبیانشان منتقل میکنند. در اتوبیسل مجید در آستانه بیهوشی نارنجک میکشد و پرتاب میکند که منجر به مرگ ابراهیم آزاد سرو و حاجی معروف به شکنجه چینی از دو تخیمان کهنه کار ساواک میشود. احمد زاده ها زیر اعدام قطعی قرار دارند.

سازمان چریکهای فدائیس خلقی در یکساله اخیر علاوه بر سی و چند تن شهید بین از یکصد تن زندانی داشته که عده ای از آنها بحبس های سنگین محکوم شده اند و اکنون سی و پنج نفر آنها زیر خطر اعدام قرار دارند که از این عده چهار نفرشان دخترند. کسانیکه خطر اعدام برای آنها خیلی زیاد است عبارتند از: عباس مفتاحی - مسعود احمد واد - مجید احمد زاده - حمید توکلی.

چهار دختر عبارتند از: اشرف دهقانی - شهین توکلی - فریده دانشگر - عاطفه جعفری. بقیه کسانیکه و یا اعدام برایشان تقاضا شده عبارتند از: سعید آری - علی آرش - مهدی سولونسی - بهمن آرنک - گلوی - عرب هرسی - محمد تقی زاده - جعفر اردبیلی چی - محمد تقی افشاری - اکبر موی - علی توسلی - یحیی امین نیا

احمد احمدی - احمد رضا شعاعی - عبد الرحیم صبوری - محمد علی پرتوی - بهرام قبادی - علیرضا نسا بدل - مناف فلسکی - حمید ارضیما - حسن گلشانی - کریم حاجیان - جواد اسکویی - حسن جعفری - ساولی و ناصر ایزدی - هم چنین فرخ نگهدار که یکبار در سال ۴۷ با گروه ۱۴ نفر محاکمه و محکوم شد و پس از سه سال آزاد شده بود در ۱۰ آذر ۵۰ در افغانستان بازداشت شد و در ازای ۵۰ هزار تومان بدولت ایران فروخته شده و اکنون زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارد.

همچنین شش نفر با سامی زیر شناخته شده و فراری اند:

- ۱- محمد صفاری آشتیانی ۲- حمید اشرف
- ۳- احمد زبیر ۴- فرخ سپهری ۵- حسن نوروزی ۶- عباس جمشیدی رودباری.

سازمان آرمان خلق

این سازمان با برنامه نبرد مسلحانه و ایدئولوژی انقلابی در سالهای اخیر بوجود آمده و در سال ۴۹ عده ای از افراد آن در حین مصادره بانک و برنامه آدم زدی و غیره بازداشت شدند و پس از تحمل شکنجه شدید پنج تن از زندان آن در روز هفدهم بهرام (یک هفته به ضیافت جلال ایران مانده) بتلافی نبردهای هفته قبل تیرباران شدند. تیرباران شدگان عبارتند از:

- هوشنگ ترگل - همایون کفیرانی - بهرام طاهرزاده - ناصر مدنی - ناصر کریمی - همچنین حسین کریمی (برادر ناصر) در برخورد مسلحانه قتل شهید بود. از مبارزان این سازمان دست پرورده و محمد حقیقت بزرندان های طولانی محکوم شدند.

سازمان مجاهدان خلق

افراد این سازمان در تابستان ۵۰ بازداشت شده اند مجاهدان خلق درین تدارک نبرد مسلحانه شهری بودند و بدون هواپیما کسی که سه نفر از افراد آنها را از دست با بران میآورد از فعالیت های چریکی این سازمان است. بنیاد گزاران این سازمان از فعالین سازمانهای دانشجویی بهرامین نهضت آزادی و جبهه ملی بودند که بعد ها به ایدئولوژی های انقلابی گرایش یافته بودند. عده ای از افراد این سازمان را حین خرابکاری در جریان انتقال نیروی سد کرج بازداشت کردند. این سازمان موقع بازداشت کاملاً مسلح و آماده عمل بود. این سازمان انقلابی برای تدارک نبرد مسلحانه یا جنبش های انقلابی فلسطین در تماس بود و از آنها یاری گرفته بود. اکنون نزدیک به سی نفر از افراد این سازمان زیر خطر اعدام قرار دارند. یعنی برای آنها تقاضای اعدام شده است. که از آن جمله اند فعالین و رهبران این سازمان با سامی:

- محمد حنیف نژاد - سعید محسن - ناصر صادقی - محمد بازرگانی - بهمن بازرگانی - علی اصغر بدیع زادگان - بهروز پاکری - مسعود رجوی - رسول مشکین فسا -

رضا رضائیس - احمد حنیف نژاد - فرهاد صفا - علی تنبید - مهدی مخلص - اسلامی - سراتی - و میلانی میباشند.

گروه ستاره سرخ

افراد این گروه در تابستان ۵۰ در حین تدارک نبرد های مسلحانه شهری بازداشت شد. فعالین آن عبارتند از: اسماعیل عابدی - علی شکوهی - محمد فارسی - غلامحسین ابراهیم زاده - توفیق - مهدی زاده - غفاری و زرکش. گروه ستاره سرخ با ایدئولوژی انقلابی و تاکتیک جنگهای مسلحانه شهری فعالیت میکردند و اکنون افراد این گروه تحت محاکمه هستند.

علاوه بر این سازمانها / گروههای دیگری نیز شناخته شده اند که مورد ضربه قرار گرفته اند. از آن جمله جناح انقلابی سناکاست که برنامه نبرد مسلحانه و جنگ چریکی شهری را پذیرفته و مبارزات به مصادره بانک کرده و در نتیجه افراد این جناح زیر خطر اعدام قرار دارند. که از جمله اند: عبیداله مبری - مهین - محمد نوابخش و دیگران. همچنین افراد دیگری مسلح دستگیر شده اند که در حین تدارک و عملیات بودند. از آن جمله: شادور - طباطبائی - عسکراوادی - کاظم سلطان محمدی - بهمن چهارزی - و قادر بیقال.

در ظرف یکساله اخیر علاوه بر افراد سازمانهای یاد شده / افراد سازمانهای سیاسی چندی دستگیر و زندانی شده اند بطوریکه مجموع زندانیان سیاسی بازداشت شده در یکساله اخیر بالغ بر سه هزار تن میشود.

چ ۱۰۰۰۱۰

بهمه فروش پناهندگان سیاسی در نمونه های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. بحیاست که سازمانهای مترقی و دانشجویان خارج از کشور از طریق سفارتخانه های دولت افغانستان این رفتار غیر انسانی دولت افغانستان را محکوم کرده و فشار بیآورند که این دولت او سیاست ایران و اردو مقابل مقامات پلیس ایران دست بردارد. هم چنین باید با مراجع به سازمانهای بهمن الطلیس دفاع از حقوق بشر و دفاع از آزادی انسان مبارزه از آنها خواسته شود که دولت افغانستان را بخاطر این افعال نقض بشهرش تهنیت کرده و در فشار بگذارد تا این دولت را وادار نماید مقررات بهمن الطلیس و ملی سر به حمایت از پناهندگان سیاسی را اجرا نماید.

مانده از صفحه چهارم

زندگی نامه شهیدان

۱۴ - اسکندر رحیمی مسیحی

اسکندر متولد لاهیجان بود. دوره ابتدائی و متوسطه را در لاهیجان گذراند و از دبیرستان عبدالرزاق فارغ التحصل شد. پس از انجام خدمت وظیفه در یکی از روستاهای فومن معلم شد. اسکندر در سالهای اخیر بمبارزه انقلابی روی آورد و در نبرد جنگل اسیر شد و سرانجام در اسفند ۴۹ در تهران تیرباران شد.

۱۵ - رحمت اله پیروز نوری

رحمت در لاهیجان بدنیا آمد. پدرش خیاط زمختکن بود. رحمت گروهیانی وظیفه بود که تبدیل به کادر حرفه‌ای مخفی شد. رحمت در سالهای اخیر بمبارزه مخفی راه یافته و در آخرین ماه های زندگیش زیر رهبری و فرماندهی اسکندر صادقی نژاد قهرمانی های بیمانند از خود آشکار ساخت که از آن جمله است عضویت در جوخه اسدنام فرسیو و شرکت در مصادره بانک ملی شعبه ایمن‌نهار. رحمت در روز سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک تیرسد قهرمانانه تا آخرین فشنگ جنگید و کشته شد.

۱۶ - بهروز دهقانی

بهروز متولد تبریز بود. ۲۹ سال داشت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تبریز با تمام رساند و در رشته زبان انگلیسی با رتبه شاگرد اول از دانشگاه تبریز فارغ التحصیل شد. آخرین حرفش دبیری دبیرستانهای آذشهر بود.

بهروز از موسسین گروه تبریز سازمان چریکهای فدائی خلق بود. مبارزه خود را در ماه های آخر در تهران ادامه میداد. بهروز در ضمن فعالیتهای مسلحانه اسیر شد و در اطلاعات شهرتانی زیر شکنجه جان سپرد. بهروز تالیفاتش نیز دارد و دوست نزدیک صدها بهرنگی بود. با هفته نامه مبد آزادی نیز مدتی همکاری داشت. اشرف دهقانی دختر شجاع و قهرمانی که پس از تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها اینک زیر خطر اسدنام قرار دارد / خواهش بهروز است.

۱۷ - کاظم سعادت

کاظم ۳۸ داشت. در تبریز متولد شده بود. شغلش دبیری بود. مهرانگیز همسرش خواهر بهروز دهقانی است و از او دو فرزند مانده است. کاظم از همکاران نزدیک بهروز بود. در جریان حمله پلچس خانقاهش برای اینکه اسیر نشود با سوزن میانور خود کشتی کرد.

۱۸ - هوشنگ ترنگ

هوشنگ در کردکوی پدرش را از دست داد و بعزت فقر شدیدی خانواده در سالهای ابتدائی تحصیل را ترک کرد و شاگرد آرایشگر شد. هوشنگ بعدها از طریق خودآموزی سواد و دانش سیاسی فرا گرفت. برای امرار معاش به مشاغل مختلفی مثل کتابفروشی کاره پیاده و روه و میوه فروشی روی آورد و مدتی نیز در کارخانه سیمان درورد کارگر شد. در سال ۴۶ بسبب داشتن فعالیتهای مخفی مورد سوء ظن قرار گرفت و بازداشت شد. در زیر شکنجه

هوشنگ ترنگ / کارگر شجاع که در اسحه قرار داشت شهید شد. هوشنگ سازندناپذیر و جسور بود. دل‌ورهای او در دوره اسارت زبانه‌زد محافظ انقلابی است. هوشنگ هم‌راه چهارتن دیگر از هم‌زمانش در ۱۲ مهر ماه ۱۳۵۰ / چند روز قبل از کشتن ضیافت جلال ایران به مشابه قربانی تیرباران گردید.

۱۹ - همایون کیرائی

همایون در بروجرد متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه در رشته روانشناسی دانشگاه تبریز به تحصیل ادامه داد. همایون ورزشکاری محبوب و فروتن بود. به کشتی و کوهنوردی علاقه داشت. میگویند همایون کوههای لرستان و الجراف بروجرد را مثل کف دستش میشناخت. همایون از موسسین و فعالین گروه آرمان خلق بود و در مشاورت ترنگ و طاهرزاده گروه را رهبری میکرد. همایون حتی در دوره اسارت آنسی از مبارزه نایستاد و همچون شیرغران بود. در تمام مدت اسارت دستها و پاهایش را در غل و زنجیر گذاشته بودند. پس از آنکه همایون دل‌ور و محبوب در مهربان سال ۵۰ تیرباران شد مادرش تائب نیاورد و چند روز بعد خودکشی کرد.

۲۰ - بهرام طاهرزاده

بهرام بیست و چهار سال پیش در بروجرد متولد شد. پدرش کارمندی جزئی بود و در همان اوان کودکی بهرام درگشت. بهرام در تمام دوره تحصیل سری پر شور داشت. به طالع سخت علاقتش بود و به شاهنامه فردوسی عشق میورید. سرانجام به محافل انقلابی راه یافت و تجارب سیاست را فزونی داد. در سال ۴۶ مورد سوء ظن قرار گرفت و بازداشت شد. پس از آزادی بمبارزه انقلابی خود ادامه داد و گزروه آرمان خلق را همراه دوستانش بخوبی مقاومت کرد و بالاخره پس از یکسال بازداشت همراه دوست و هم‌زمینش بهرام طاهرزاده آزاد شد و مبارزه مسلحانه را برگزید و در این راه همراه پنج دل‌ور دیگر که او یعنی

بوجود آورد. بهرام در تعطیلات تابستان درودگری میکرد. بهرام دانشجوی دانشگاه تبریز بود ولی بخاطر مبارزه تحصیلش را رها کرد و خود را کاملاً وقف هدفش نمود. طی خدمت وظیفه در کردستان سپاه دانش پیوست و بخلق کرد عشق میورید. بهرام بسیار دلیر و نترس بود و از مرگ هم‌راسی نداشت. بهرام در جریان مصادره مسلحانه بانک اسیر شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان در مهربان ۵۰ تیرباران شد.

۲۱ - ناصر مردنی

ناصر فقط نوزده سال داشت که همراه رفقای پیش در مهربان ۵۰ قربانی قدم دوم مهمانان جلال ایران شد. ناصر مردنی جوانترین شهید از میان چهل و چند تن از شهیدای یکساله اخیر است. او دانش آموز سال پنجم بود.

۲۲ - ناصر کریمی

ناصر در بروجرد متولد شد. تحصیلاتش را در حدود دوره اول دبیرستان گذراند و به کارگری پرداخت و در کارخانه های مشهد - تهران بخصوص در کارخانه شاهزاد بروجرد کار کرد. اعتصابی نیز در کارخانه اخیرالذکر برراه انداخت و ناچار فراری شد. ناصر کریمی نسبت بزحمتکشان علایق شدید داشت و سرانجام در راه راهائی آنان در جریان مبارزه مسلحانه اسیر و تیرباران شد. برادرش حسین کریمی نیز در جریان يك برخورد مسلحانه در سال ۱۳۴۹ شهید شده بود.

مانده از صفحه پنجم
بقیه بیانیه: جبهه آزاد ییخش ملی ایسران

صده نهم - اصل نهم مبین علایق خاص ایران انقلابی در مسائل خارجی است. گرچه ایران مستقل یا جنبش جهانی ضد امپریالیستی همگام است اما علایق و روابط آن در منطقه مهمترین محور روابط خارجی اش است. ملت ایران بخوبی درک میکند که سرزنشش با ملل برادر منطقه بسا جفوش فشنده امپریالیستی هم‌زمنی و دیگر جنبش‌های متسرق منطقه پیوند یافته است و تاکید بر دوستی برادرانه با ملل منطقه و همگامی با جنبش‌های ترقیخواهانه منطقه باین معنی است که ج.ا.م.ا. در مرحله پیش از پیروزی بیشتر از هر عاملی در سیاست خارجی خود روی جنبش منطقه حساب میکند. کلیه وقایع و رویدادهای سیاسی و اجتماعی منطقه را صرفاً از دیدگاه خود یعنی دیدگاه مصالح انقلاب ایران بررسی میکند. ج.ا.م.ا. بخود حق میدهد که از کلیه امکانات ملل و جنبشهای منطقه در راه پیروزی مدد بگیرد و بنوبه خود را ملزم میداند که بهر طریق و بهر اندازه که در توان دارد باین جنبشها کمک کند. بمبارت دیگر مبارزه ج.ا.م.ا. بر ضد دستگاه حاکمه مرجع که در منطقه نقش یاور و زند ارم امپریالیسم را ایفا میکند در عین حال مبارزه ایست بر ضد نیروهای ارتجاعی منطقه و باین ترتیب ج.ا.م.ا. خود را جزئی از جنبش ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه منطقه مینماید.

جبهه آزاد ییخش ملی ایسران
پائیز ۱۳۵۰

درباره سازمانهای انقلابی

مختصری درباره سازمانهای انقلابی
مبارزه مسلحانه در ایران در سالهای اخیر

در سالهای پیرامون ۲۸ مرداد هنگامیکه جنبش در تمام جبههها دچار شکست شد و سازمانها و شبکه های حزب نود و احزاب جبهه ملی در داخل کشور متلاشی گردید بدتر ریح گروه هایی از بازماندگان حزب نود و سازمان جوانان آن بخاطر ادامه مبارزه تشکیل شدند. در این بررسی بادامه فعالیت گروه های جبهه ملی این سالها فعلا کاری نداریم.

این سازمانها بدون ارتباط با ارگانهای مرکزی حزب بوجود آمدند و هدفشان اغلب ادامه مبارزه تا وصول به وحدت مجدد بود. تعدادی از این سازمانها با بررسی مبارزات گذشته باین نتیجه رسیدند که دستگاه رهبری حزب نود صلاحیت رهبری جنبش کارگری و جنبش ملی را ندارد و از این رو بکار مستقل خود ادامه دادند و با انتشار نشریه ها و تقویم در صفا و نشریه های مختلف کوشش کردند نقش موثری در جریان سیاسی کشور ایفا کنند. جنبش های سال ۳۸ مثل اعتصاب کوریزخانه یا بیست دی / اعتصاب رانندگان تاکسی و جویانهای صنفی دانشگاه تهران و غیره زمینه مساعدی برای فعالیت این سازمانها بنمود.

تعدادی از این سازمانها در همان زمان معتقد شده بودند که جز توسل بقوه قهریه راهی برای ادامه مبارزه ندارند. این سازمانها و گروه ها همگی معتقد به مارکسیسم لنینیسم بوده و بدتر ریح متوجه خط مشی انقلابی میشدند که نتیجه انطباق تجارب شوروی با شرایط اجتماعی و سیاسی ایران بود. در سالهای ۳۹ تا ۴۲ که امکانات مبارزات نیمه قانونی بوجود آمد تعدادی از این گروهها که از دستبرد پلیس مصون مانده بودند به جریان سیاسی عمومی داخل شده و در جریان سیاسی جبهه ملی و سازمانهای وابسته بآن نقش ترقیخواهانه ای ایفا کردند. هدف این سازمانها از این دوره فعالیت گسترش دادن مبارزه یا توسعه امکانات خود و

سرعت بخشیدن و جهت دادن به جریانهای عمومی سیاسی بوده. همکاری این جناح در چهارچوب کلی جبهه ملی به تقویت جناح چپ جبهه و مبارزه با ایورتونیسم محافظه کارانه رهبری جبهه کمک موثر کرده از سال ۴۲ به بعد سازمانهای مستقل انقلابی با کمک گرفتن از نیروهای تازه نفسی که طی سه سال فعالیت عمومی بمبارزه روی آورده بودند تجدید سازمان کرده و تبلیغ و تدارک راه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفتند. در این دوره دو جریان سنتی چپ و راست جنبش در یکسازمان به چندانیتی برای نیروهای فعال نداشتند. این سازمانها رسالتی برای آنها تعین نداشتند. گروهها و سازمانهای انقلابی در این موقع بمبارزه ایدئولوژیک در داخل جنبش دست زده و راه قهرآمیز را بعنوان تنها راه جنبش معرفی کرده و در صد و پیاپی کردن آن در شرایط زمانی خاص کشور ما بودند. عده ای که در سال ۴۶ بازداشت شده و در سال ۴۷ چهارده نفرشان محاکمه شدند اعضای سازمانی انقلابی بودند که تشکیلات و برنامه سیاسی شان با آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت مطابقت میکرد. پذیرفتن مبارزه مسلحانه بعنوان راه اساسی تدارک انقلاب / اعتقاد به ایدئولوژی انقلابی مرفقی بعنوان سلاح مبارزه انقلابی آزاد ییختن و استقلال سازمانی و سیاسی از جریانات سنتی گذشته و برداشت مستقل ایدئولوژیک نسبت به قطب های جهانی مارکسیستی و در عین حال بهره مند شدن از میراث مثبت و تجربیات سنتی نهضت کارگری و ملی خصوصیات این سازمان انقلابی بوده که در سازمان های بعدی همچنان بچشم میخورند. پس از فروکش کردن مبارزات نیمه قانونی سالهای ۳۹ تا ۴۲ نیروهای جوان و مبارزی که پیرامون جبهه ملی و یا در احزاب و سازمانهای آن گرد آمده بودند و رشد سیاسی پیدا کرده و باید تلوژی انقلابی گرایش پیدا کرده و خود را بدتر ریح از قید سنتدیت رهبری و سازمانهای جبهه ملی آزاد کرده و در جریان مبارزه در عمل به تائیدهای مسلحانه روی آوردند. این نیروها بنوع خود اوتوامل تضح جنبش انقلابی در سالهای اخیر بشمار میروند.

فروش پناهندگان سیاسی

در افغانستان

دولت افغانستان برخلاف تمام موازین انسانی و مقررات بین المللی پناهندگان سیاسی ایرانی را تحویل مقامات ایران داده است.

دولت افغانستان که ادعا میکند یک دولت بیطرف است عملا آلت دست ساواک شده و نه تنها با روی مقررات بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که داده بلکه در کمال در بیوزگی اجازه داده است که مقامات ایران حتی در داخله قلمرو افغانستان با اجیر ساختن مأموران نظامی و غیر نظامی افغانی جاکیت او را نقض کنند. دو نمونه از این رفتار بشروح زیر است:

- ۱- در ۱۵ شهریور ۱۳۵۰ سید حسین هاشمی وارد افغانستان میشود. پاسگاه اسلام قلعه ی افغانستان از روی عکسی که ساواک در اختیارشان گذاشته بود او را بازداشت میکنند و سرانجام او را بکابل اعزام میکنند. روز ۲۲ شهریور ۵۰ او را در پاسگاه طیب (تایباد) افغانستان رسماً به مأموران ساواک تحویل میدهند که بسزندان اوین منتقل کرده و تحت شکنجه قرار میدهند.
- ۲- در ۱۵ آذر ۱۳۵۰ فرخ نگهبان از فعالین سیاسی ایران (که قبلاً بازداشت و پس از گذراندن سه سال در زندان آزاد شده بود) را که در افغانستان بازداشت کرده بودند و عکس او نیز در دست مقامات افغانی بود در ازای دریافت ۵۰ هزار تومان به ساواک فروخته اند. نگهبان اکنون زیر سخت ترین شکنجه ها قرار دارد. بقیه در صفحه ششم.

آخرین خبرهای عملیات چریکی

۱- مداره بانک ملی شعبه صوفیه بطوریکه خبرگزاریها اطلاع داده اند در روز ۱۹ دیماه ۵۰ (۹ ژانویه ۷۲) چریکهای مسلح به بانک ملی شعبه صوفیه واقع در انتصابه امیرآباد تهران حمله کرده اند و پس از مداره کلیه وجوه بانک بدون تلفات بانک را سرک کرده اند.

مقامات انتظامی ادعا کرد باند که یکی از چریکها را که شاهرخ هدایتی بوده شناخته اند و عکس او را هم در تمام ایران پخش کرده اند در حالیکه طبق خبری که در همین شماره چاپ شده است (در مطلب "مختصری درباره سازمانها و گروه های...") مهندس شاهرخ هدایتی در یک نبرد مسلحانه شهید شده است. بقیه در صفحه پنجم.

زندگی نامه شهیدان

زندگی نامه مختصره های از شهدای اخیر

۱- علی اکبر صفائی فرغانی

علی در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد. پدرش دکاندار کرم مایه ای بود. پس از تحصیل ابتدائی وارد هنرستان صنعتی تهران شد و آنرا بپایان رساند. علی ضمن تحصیل کار میکرد و با کارگران چاپخانه ها و دیگر صفاها دوستی و رابطه نزدیک داشت. از سال سوم هنرستان بکوه نوردی پرداخت و یکی از برجسته ترین کوهنوردان ایران شد. علی تحت تأثیر مبارزات و جنبش کارگری به مارکسیسم لنینیسم رسید در عین حال در محیط تحصیل دست به فعالیتهای صنفی زد. علی در بیست و یک سال ۳۸ نقش چشمگیری داشت. علی همراه با سازمان سیاسی مخفی که عضویت آنرا داشت در سالهای ۳۹-۴۲ بفعالیتهای عمومی جبهه ملی روی آورد و در بین محصلین بقیه در صفحه دوم.



جواد سلاخی



امیر پرویز پرویان



اسکندر صادقی نژاد



رحمت الله بیروندری